

**From Philosophical Narrative of History to Narrative of
Philosophy of History: A Critical Reading of the Book
History by the Narrative of Philosophy;
*From Herodotus to Alain Badiou***

Mohsen Alviri*

Abstract

Thinking about history has increased and gained a wide range of changes in recent decades. If we consider the “*Philosophy of History*” to be the result of these changes, given the almost great distance between us Iranians and the world level of these studies, the importance of the methodical awareness of new studies and approaches in this issue becomes clear. “*History by Narrative of Philosophy: From Herodotus to Alain Badiou*”, deserves to be read as an outstanding book in this field because of its characteristics. This article is a critical review of the book in the following topics: the ambiguity of the book’s title, the divergent multiplicity of the book’s purpose, the confusion in the chapters and sub-chapters, the ambiguity of the position of this book among the other works in this field, the obvious lack of paying attention to the Eastern and Islamic heritage, Confusion and inconsistency of the terms related to the currents of thought and finally ambiguity in new definition of history. After reflecting on the technical and editorial aspects of the work, the paper concludes that although the book fails to distinguish between the philosophical narrative of history and narrative of the philosophy of history, and so it has been far from the conventional mentality of historians, but it has many useful benefits for them.

Keywords: Philosophy of History; Philosophical History; Philosophy and History; History and Social History; Historiography.

* Associate Professor of History, Faculty Member of Baqir al-Ulum University, Qom, Iran,
alvirim@gmail.com, alviri@bou.ac.ir

Date received: 2020-08-26, Date of acceptance: 2021-01-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

از روایت فلسفی تاریخ تا روایت فلسفه تاریخ؛ خوانش انتقادی کتاب تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو

محسن الویری*

چکیده

اندیشیدن درباره تاریخ در چند دهه اخیر فربهی بسیار و یک دگرگونی دامنه‌دار یافته است. اگر «فلسفه تاریخ» را مولود این تحول بدانیم، باتوجه به فاصله تقریباً زیاد ما ایرانیان با آن، آگاهی روش‌مند از مطالعات و رویکردهای جدید در این شاخه معرفتی اهمیت می‌یابد. کتاب تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، به منزله یک اثر شاخص در این زمینه شایسته بازخوانی است. نوشتار پیش‌رو مروری انتقادی بر این کتاب در این محورها دارد: ابهام‌زایی عنوان کتاب، چندگانگی و اگراییانه هدف تدوین کتاب، آشفتگی فصل‌بندی و زیرفصل‌ها، مشخص نبودن جایگاه این کتاب در بین آثار تألیف‌یافته در این زمینه، کاستی آشکار توجه به میراث شرقی و اسلامی، درهم آمیختگی و ناهم‌ترازی اصطلاحات مربوط به جریان‌های فکری، و ابهام در چستی تعریف جدید تاریخ. مقاله پس از پرداختن به تأملاتی درباره جنبه فنی و ویرایشی اثر، با این جمع‌بندی به پایان می‌رسد که هرچند کتاب نتوانسته است بین روایت فلسفی تاریخ و روایت فلسفه تاریخ مرزی آشکار بگذارد و به همین دلیل از ذهنیت متعارف تاریخ‌پژوهان درباره فلسفه تاریخ فاصله گرفته است، اما آورده‌های سودمند بسیاری برای آن‌ها دارد.

کلیدواژه‌ها: فلسفه تاریخ، تاریخ فلسفی، تاریخ و فلسفه، تاریخ و علوم اجتماعی، تاریخ‌نگاری.

* دانشیار تاریخ، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول)،
alvirim@gmail.com alvirim@bou.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

۱. مقدمه و بیان مسئله

نگاه بیرونی به روی داده‌های تاریخی هرچند زاده مرحله پس از ثبت روی داده‌های تاریخی است، نشانه‌های آن را از گذشته‌های دور می‌توان یافت. این نگاه در سیر تاریخی خود و در سرزمین‌های مختلف فرازونشیی خواندنی داشته است. با توجه به گسترش چشم‌گیر مطالعات درجه دوم درباره دانش تاریخ در دهه‌های اخیر، عملاً زمینه مناسبی برای پی‌ریختن بن‌مایه یک شاخه معرفتی جدید، که پشت‌گرم به آن پیشینه تاریخی هم بود، فراهم آمد و بدین‌سان دانشی نو به‌نام فلسفه تاریخ زاده شد.^۱ این دانش در دامن رشته تاریخ بالید و اکنون به درجه‌ای از فرهی متون، منابع، بلوغ گزاره‌ها، و روش رسیده است که بر آن است تا خود به‌منزله رشته تحصیلی جدید ادامه حیات دهد. در ایران نیز چندین دهه است که درس فلسفه تاریخ به‌اندازه دو واحد درسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های تاریخ و تمدن ملل اسلامی عرضه می‌شود و اکنون برای راه‌اندازی یک رشته تحصیلی مستقل در این زمینه در یکی از مراکز آموزش عالی کشور گام‌هایی برداشته شده است.^۲

بومی‌نبودن این شاخه معرفتی از یک‌سو^۳ و جامه رشته تحصیلی نپوشیدن آن تاکنون سبب شده است که فاصله ما از سطح مطالعات جهانی در این زمینه زیاد باشد،^۴ اما نوپدیدبودن آن هم سبب شده است که این فاصله نگران‌کننده نباشد و در صورت وجود یک اراده جدی نه‌تنها می‌توان این فاصله را تا اندازه خیلی زیادی کاست، بلکه در پرتو نگاه‌های نو به میراث شرقی به‌صورت عام و سنت اسلامی به‌صورت خاص می‌توان پرچم‌دار دیدگاهی نو در سطح جهان بود.^۵

مطالعات جهان غرب در این زمینه زودتر از کشور ما آغاز شده و بیش‌تر و ژرف‌تر از سطح مطالعات ما گسترش یافته است.^۶ آثار منتشرشده در پیوند با این موضوع در ایران به‌صورت عمده ترجمه است و جز آثار شهید مطهری، که جنبه تألیف دارد، اما به‌صورت عمده ناظر به نقد مارکسیسم است،^۷ کتاب شاخص، جهت‌دهنده، و اثرگذار دیگری در کشورمان تدوین نشده است؛^۸ هرچند نباید سهم و جایگاه مقالات قابل‌توجهی را، که در این زمینه در نشریات تخصصی تاریخ نگاشته شده است، نادیده گرفت.^۹ نشانه دیگر جایگاه بایسته‌نیافتن این مباحث در کشور ما نوعی آشفتگی نظری در مسائل و نظام موضوعات آن درکنار شیفتگی به پرداختن به آن‌هاست.^{۱۰} شاید این سخن گزاف نباشد که ابهام در تبار دانشی «فلسفه تاریخ» یعنی ابهام در وابستگی آن به تکررشته تاریخ یا تکررشته فلسفه یا قرارداشتن آن در شمار دانش‌های چندرشته‌ای یا بین‌رشته‌ای نقطه کانونی و سرآغاز این

آشفته‌گی است. دشواری‌های تدریس این واحد درسی در دانشگاه‌ها را هم می‌توان گواه دیگری بر نابه‌سامانی‌های این قلمرو معرفتی به‌شمار آورد. درس فلسفه تاریخ اغلب در گروه تاریخ و برای دانشجویان رشته‌های مختلف علوم تاریخی عرضه می‌شود، اما تا چندی پیش، بیش‌تر مدرسان آن به گروه‌های دیگر آموزشی، اما میهمان گروه‌های تاریخ وابسته بودند. شاهد دیگر تکاپوهای نامنسجم موجود در زمینه فلسفه تاریخ، پیدایش فلسفه‌های انضمامی علاقه‌مند به موضوعات مختلف از جمله تاریخ در کنار کوشش‌های فزاینده پژوهش‌گران رشته تاریخ برای ژرف‌نگری‌های نظری در این زمینه است.

در چنین فضایی در کشور ما است که کتاب *تاریخ به روایت فلسفه*، که با انگیزه معرفتی آن‌چه در دیار غرب می‌گذرد از همان ابتدا به زبان فارسی و برای مخاطب ایرانی نوشته شده است، می‌تواند بسیار درخور توجه باشد.

۲. معرفی کتاب

کتاب *تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو*، نوشته احمد محمدپور و ویراسته مقدم مهدوی، با شابک ۳ - ۸ - ۹۷۵۳۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸ را نشر لوگوس (به نشانی: www.irlogos.com) در سال ۱۳۹۶ در قم منتشر کرد. چاپ اول این کتاب در قطع رقعی با جلد نرم با شمارگان هزار نسخه صورت گرفته است. کتاب یازده فصل دارد و همراه با فهرست تفصیلی مطالب و مقدمه ناشر و سخنی با خواننده (به‌قلم نویسنده) در آغاز کتاب و فهرست منابع فارسی و منابع انگلیسی و نمایه در انتهای آن، در مجموع در ۶۲۸ صفحه با کاغذ کاهی سبک تدوین شده است (در جدول فهرست‌نویسی پیش از چاپ (فیبا) و نیز در سامانه نشر لوگوس، تعداد صفحات این کتاب ۶۱۸ صفحه ذکر شده است). از ۴۲ صفحه فهرست منابع (۵۷۵ تا ۶۱۶) یک صفحه به منابع فارسی و بقیه به منابع انگلیسی اختصاص دارد. نمایه کتاب (از ۶۱۷ تا ۶۲۸) نیز به‌صورت یک‌پارچه، دربردارنده، و درهم‌کردی از نام اشخاص، کتاب‌ها، حکومت‌ها، و مفاهیم تنظیم شده است.

کتاب با همه مزیت‌هایی که از نظر چاپ دارد، از نظر حروف‌چینی به‌دلیل ریزبودن حروف انتخاب‌شده چشم‌آزار است. طرح روی جلد کتاب، که ظاهراً نمادی از زمین، آسمان، و پیوند آن دو یا حرکت از خاک به‌سوی افلاک است، شاید برای کتابی درباره تاریخ به‌روایت دین مناسب‌تر بود. گزارف نیست که گفته شود هیچ نماد خالی از انسان یا ساخته‌های دست انسان نمی‌تواند تاریخ را به ذهن مخاطب متبادر کند.

ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که کتاب با کلامی شاعرانه در چهار سطر به رفتگان زلزله کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ اهدا شده است.

۳. معرفی نویسنده

دکتر احمد محمدپور (۱۳۵۵) عضو پیشین دانشگاه بوعلی همدان، که در عنوان کتاب عضو دپارتمان انسان‌شناسی دانشگاه ماساچوست - امهرست معرفی شده است، در ایران با تألیف سه کتاب در زمینه روش‌شناسی با عنوان روش در روش: درباره ساخت معرفتی در علوم انسانی، فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری، و ضدروش: زمینه‌های فلسفی رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی^{۱۱} جایگاه تقریباً شناخته‌شده‌ای در پدیدآورندگان آثار انتقادی مربوط به روش‌شناسی با رویکرد فلسفی دارد. شایستگی علمی ایشان برای تدوین این کتاب، باوجود نداشتن پیشینه تألیف در زمینه مباحث نظری تاریخ، محل تردید نیست.^{۱۲}

۴. ابهام‌زایی عنوان کتاب

عنوان کتاب یعنی تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو به‌باور مؤلف به‌صورت «تلیوچی و گاه انضمامی به تاریخ اندیشیدن درباره تاریخ» (محمدپور ۱۳۹۶: ۵۷۳) می‌پردازد و عنوان فرعی آن «اگرچه به‌نظر بس غریب می‌آید، بیان‌گر امتداد تاریخی اندیشیدن درباره خود تاریخ است» (همان). این عنوان به‌گفته مؤلف:

نه‌تنها نشان از پیوستگی مداوم و محکم تأمل درباره تاریخ دارد، بلکه آن را در زمینه وسیع‌تر فکری و فرارشته‌ای قرار می‌دهد که وقایع‌نگاری کلاسیک تنها یکی از عناصر آن است، نه کل هدف و مسیر آن. ازسوی دیگر، در نظر دارد نقطه عزیمت تاریخ را با اندیشه معاصر نیز پیوند بزند (همان).

توجیه نویسنده محترم هم درباره عنوان اصلی و هم فرعی کتاب درخور تأملاتی است. درباره عنوان اصلی که درحقیقت هدف اصلی نگارش کتاب را گزارش می‌کند، در بخش مربوط به هدف نگارش کتاب نکته‌ای بیان خواهد شد، اما درباره عنوان فرعی نام کتاب همین‌جا باید گفت که اهداف سه‌گانه برشمرده‌شده ازسوی مؤلف به‌اندازه‌ای واگرایند که در تعبیر «از... تا...» به‌صورت یک‌جا و هم‌زمان قابل جمع نیست، این شیوه

بیان یا برای اشاره به نقطه آغاز و پایان زمان و مکان به کار می‌رود یا برای اشاره به دو سر یک طیف مفهومی یا فیزیکی، بی آن‌که الزاماً پیوستگی این دو سر طیف مدنظر باشد.^{۱۳} اگر مراد مؤلف از این تعبیر نشان دادن توالی زمانی باشد، موضوع ابتدا و انتهای این خط توالی باید از یک تبار باشند و حال آن‌که هرودوت (Herodotus) و آلن بدیو (Alain Badiou) از یک تبار نیستند؛ هرودوت مورخ است^{۱۴} و به منزله نظریه پرداز در تاریخ شناخته نمی‌شود و برعکس آلن بدیو نیز فیلسوفی نمایشنامه‌نویس و رمان‌نویس است^{۱۵} و به منزله مورخ و حتی نظریه پرداز تاریخ شناخته نمی‌شود. اگر هم مراد نویسنده محترم از این عنوان فرعی تأکید بر فرارستگی مباحث است، باید پذیرفت که از این عنوان «پیوستگی مداوم» برداشت نمی‌شود؛ همان‌طور که در تعبیری مثل «از شیر مرغ تا جان آدمیزاد» دیگر پیوستگی مدنظر نیست، بلکه این تعبیر اشاره به تنوع دارد و حرف «تا» به معنی «حتی» به کار رفته است.

به هر حال، با توجه به محتوای کتاب به نظر می‌رسد که در صورت تمایل یا اصرار مؤلف به داشتن عنوان فرعی، عنوان «تأملات یا تأملاتی درباره پیوند تاریخ و فلسفه» برای این محتوا مناسب‌تر از عنوان فرعی کنونی بود.

۵. چندگانگی واگرایانه هدف تدوین کتاب

این کتاب که «مهم‌ترین هدف خود را پیش نهاد دادن شیوه جدیدی می‌داند برای نگرستن و نگاشتن تاریخ» (محمدپور ۱۳۹۶: ۵۷۴)، در عباراتی دیگر پس از پایان یافتن نگارش کتاب، هدف خود را این‌گونه بیان کرده است:

هدف این کتاب ارائه روایتی بود فلسفی از علم تاریخ، نگاهی نسبتاً کل‌نگر به آنچه موضوع این رشته تلقی می‌شود، مسیری که پیموده است یا می‌پیماید، اصولی که برمی‌گزیند، هدفی که فراروی خود نهاده یا الزامات اخلاقی و انسانی نوینی که باید ناگزیر در نظر گیرد. تاریخ به روایت فلسفه، تاریخ فلسفی و روشی تاریخ را به ارزیابی گذاشت و آن را به زبان خاص فلسفه بیان کرد؛ در این کتاب از نسبت بس عمیق تاریخ با فلسفه و دیگر علوم اجتماعی نیز سخن رفت و بر هویت فلسفی آن هم‌چون آمیزه‌ای از نگرستن، دریافتن، و نوشتن تأکید شد (همان: ۵۷۲).

چند نکته زیر هم که مؤلف مایل بوده است آن‌ها را یادآوری و بر آن‌ها اصرار کند، می‌تواند ابعادی دیگر از هدف تألیف کتاب را برای خواننده روشن کند (همان: ۵۷۳-۵۷۴):

- برجسته‌کردن رویکردها و روش‌هایی که شاید همواره در دانش تاریخ حضور داشته‌اند، اما ملموس و نمایان نبوده‌اند یا ناخواسته مسلم فرض شده باشند، مانند تبیین، استدلال، یا رویکردهای تأویل‌گرایی یا تفسیرگرایی تاریخی؛
 - واکاوی نسبت و کاربرد برخی رویکردها در حوزه تاریخ که احتمالاً در تیررس دقت علاقه‌مندان قرار نگرفته‌اند؛ مانند فلسفه‌های قاره‌ای و تحلیلی تاریخ یا واکاوی دستاوردهای نظری و روشی رویکردهایی مثل اتمیسیسم منطقی و رئالیسم انتقادی برای دانش تاریخ؛
 - ایجاد ارتباط بین دانش تاریخ و رویکردها یا آرای متفکرانی که گمان می‌رود یا هیچ نسبتی با نسخه‌های متعارف تاریخ‌نگاری ندارند یا در چهارچوب علوم اجتماعی دیگر مطرح‌اند؛ مانند پدیدارشناسی، اگزیستانسیالیسم، مطالعات فرهنگی، نظریه انتقادی، پراگماتیسم یا متفکرانی مانند دریدا، دلوز، ژیاک، آگامبن، و بدیو که مراجعه به آن‌ها برای تاریخ خیلی سودمند است؛
 - ارائه تعریف نسبتاً جدیدتر و بین‌رشته‌ای‌تر از تاریخ. از این منظر تاریخ به مثابه ثبت و ضبط گذشته یا حال تنها به وقایع و رخدادها محدود نیست، بلکه می‌تواند چون بایگانی اندیشه‌ها نیز خوانده شود. پرداختن به کتاب‌هایی مانند *بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی هوسرل* یا *بقایای آشویتس* نوشته آگامبن به منزله نمونه‌هایی ایدئال از این منظر صورت گرفته است.
- جالب این جاست که در آخرین جمله معرفی پشت جلد کتاب نیز در عبارتی کلی، که آن هم درحقیقت بیان‌گر هدف تألیف کتاب است، چنین آمده است: «... بر این اساس، کتاب حاضر مقدمه‌ای است نسبتاً جامع و متفاوت برای علاقه‌مندان به فلسفه علوم اجتماعی و به‌ویژه فلسفه تاریخ».
- این اهداف گوناگون برای تألیف یک کتاب را می‌توان با مسامحه به دیده مثبت نگریست و به‌جای برداشت واگرا بودن کتاب یا روشن نبودن صورت مسئله برای مؤلف، آن را شاهدهی بر قلمروهای مختلف محتوای کتاب و دلالت‌های چندگانه آن دانست، اما از بین مجموعه اهدافی که برای تدوین این کتاب برشمرده شده است، سه هدف زیر به وجه فلسفی کتاب اشاره دارند:
- ارائه روایتی فلسفی از علم تاریخ؛
 - ارزیابی تاریخ فلسفی تاریخ و تاریخ روشی تاریخ به زبان خاص فلسفه؛
 - تأکید بر هویت فلسفی تاریخ هم‌چون آمیزه‌ای از نگرستن، دریافتن، و نوشتن تاریخ.

این سه هدف در مقایسه با دیگر موارد محوری ترند و می‌توانند نمایان‌گر روح حاکم بر کل کتاب باشند، اما باید به این نکته مهم توجه داشت که این سه مقوله کاملاً از هم متفاوت‌اند و به‌آسانی در یک‌جا جمع نمی‌شوند، زیرا هر یک از آن‌ها روش و ساختار ویژه خود را می‌طلبند. روایت فلسفی یک پدیده نیز الزاماً به معنی هویت فلسفی داشتن آن پدیده نیست، همان‌طور که تعبیر تاریخ فلسفی تاریخ تعبیری گنگ و نارساست. این ابهام و ابهام موجود در روایت فلسفی تاریخ ریشه در این دارد که دقیقاً مشخص نیست این راوی کیست؟ یک فیلسوف است که به بررسی تاریخ از منظر فلسفه پرداخته است یا یک مورخ است که کوشیده است وجه فلسفی تاریخ را بررسی کند یا از منظر فلسفه به بررسی تاریخ پرداخته است. اگر قرار است نگاه فیلسوفان روایت شود (آن‌گونه که از عنوان اصلی برداشت می‌شود)، دیگر کسانی مانند هرودت و مورخان رومی نباید جایگاهی در این میان داشته باشند و اگر چنین نیست بسیاری مورخان دیگر هم باید بررسی شوند. ابتکار مترجم کتاب *Fly and Fly-Bottle: Encounters With British Intellectuals* نوشته ود مهتا (۱۳۶۹) در ترجمه عنوان کتاب به *فیلسوفان و مورخان: دیدار با متفکران انگلیس* شاید به همین دلیل است که پیدا کردن تعبیری مناسب که بتواند به‌خوبی چگونگی پیوند بین تاریخ و فلسفه را گزارش کند، بسیار دشوار است و گاه تنها باید در یک ترکیب عطفی ساده، فیلسوفان و مورخان را کنار هم نشانند و درباره پیوندهای میان آن‌ها سکوت کرد. آقای فولادوند در ترجمه مقاله دیگری نیز از رابرت برنز و البته این‌بار به پیروی از مؤلف تنها از ترکیب عطفی دو کلمه فلسفه و تاریخ بهره برده است (برنز ۱۳۸۱: ۸).

این ابهام نسبی در هدف کتاب، تا اندازه‌ای در این که مخاطب این کتاب کیست، ابهام ایجاد کرده است. این که این کتاب برای دانشجویان تاریخ نوشته شده است یا دانشجویان فلسفه، به‌درستی معلوم نیست؛ هرچند شواهد این که کتاب سودای تأمین نظر فلسفه‌پژوهان را دارد، بسیار بیش‌تر است. پیش از این هم اشاره شد که در معرفی پشت جلد کتاب، از علاقه‌مندان به فلسفه علوم اجتماعی به‌منزله مخاطبان اولیه کتاب یاد شده است. رنگ فلسفی این کتاب به‌حدی زیاد است که دانشجوی تاریخ نمی‌تواند با واژگان و تعبیر نامأنوس کتاب رابطه برقرار کند و به آن احساس نیاز کند و حتی چه‌بسا حس کم‌فایده‌بودن این مباحث به او دست دهد. البته اگر دانشجوی تاریخ مخاطب اصلی و اولیه کتاب نبوده باشد، نقضی برای کتاب به‌شمار نمی‌رود، اما مهم این است که هدف تدوین کتاب و مخاطبان اصلی آن از همان ابتدا هم برای نویسنده و هم برای خواننده مشخص باشد.

۶. آشفتگی در فصل‌بندی کتاب و زیرفصل‌ها

این کتاب یازده فصل دارد. از نظر مؤلف، فصل‌بندی کتاب، که در کنار شکل و محتوای آن می‌تواند راه متفاوت کتاب را در مقایسه با دیگر آثار این حوزه نشان دهد، از یک منطقی مشخص پیروی می‌کند (محمدپور ۱۳۹۶: ۵):

- فصل‌های اول تا ششم کتاب به مفاهیم و اصول، نوع‌شناسی تبیین، مبانی استدلالی، نگاهی به تاریخ تاریخ‌نگاری، پیوستار قاره‌ای - تحلیلی، و فراسوی رئالیسم اختصاص یافته است.

- فصل‌های هفتم تا دهم شیوه متفاوتی را دنبال می‌کنند. به‌باور نویسنده (همان: ۶) «مهم‌ترین مشخصه این عصر در رابطه با فلسفه، حرکت به سمت فلسفه زیستی، فلسفه عصب‌شناختی، فلسفه ذهن و فلسفه روان است که وجه‌مشترک آن‌ها را ترکیبی از نگاه ماتریالیستی و استعلایی به جهان تشکیل می‌دهد». جریان‌های مذکور، رادیکال (نه الزاماً در معنای مارکسیستی آن)، ماده‌گرا، دگرگون‌گر، استعلایی (نه در معنای الهیاتی آن)، و انسان‌گرا به‌شمار می‌روند. بر این اساس، بازگشت به انسان و مشخصه‌های این جهانی وی، ستون اصلی این نظریه‌ها را شکل می‌دهد. «ره‌یافت‌ها و متفکرانی که در این فصل‌ها آورده شده‌اند، همگی برسر یک نکته اتفاق نظر دارند: ضرورت بازگشت به ریشه‌ها برای دستیابی به معرفت رادیکال». عناوین این فصول که برپایه تحلیلی سامان یافته‌اند، چنین است: فلسفه‌های وجودی تاریخ: اگرستانسیالیسم و پدیدارشناسی، نقد فرهنگ و پرابلماتیک بازنمایی: پراگماتیسم، نظریه انتقادی و مطالعات فرهنگی، فلسفه‌های پراکنده: دریدا، دلوز و ژیرک، و چپ نو: آگامبن و بدیو.

- فصل یازدهم با عنوان «سخن آخر» که تنها سه صفحه دارد، در حکم جمع‌بندی کتاب است.

در این باره نیز با وجود کوشش مؤلف محترم برای توجیه و تبیین منطقی فصل‌بندی کتاب، پرسش‌ها و ابهام‌های زیادی برای این فصل‌بندی به ذهن می‌رسد. فصل‌بندی کتاب به صورت کنونی غیرمنسجم و واگراست و از نظم متعارف و منطقی منابع مربوط به مباحث فلسفی تاریخ پیروی نمی‌کند یا دست‌کم با آن سازگار نیست. فصل‌بندی کنونی نه موضوع‌محور (فصل‌بندی براساس مهم‌ترین موضوعات مورد بررسی در فهم و تبیین فلسفی تاریخ)، نه شخص‌محور (فصل‌بندی براساس مهم‌ترین چهره‌ها و صاحب‌نظران فلسفه

تاریخ)، نه مکتب محور (فصل بندی براساس برشمردن مهم ترین مکتب های فکری و بررسی آرای آن ها درباره تاریخ)، نه زمان محور (فصل بندی براساس سیر تاریخی یا سیر تحول اندیشه های فلسفی درباره تاریخ)، و نه مکان محور (فصل بندی براساس کشورهای مختلف محل زیست فیلسوفان و صاحب نظران تاریخ) است.

این واگرایی و نبود انسجام در عناوین زیرفصل ها با شدت بیش تری به چشم می خورد. شاید ذکر تمامی زیرفصل ها ملال آور باشد، اما برای مستند کردن درستی این ادعا لازم به نظر می رسد:

- زیرفصل های فصل اول (مفاهیم و بنیان ها) چنین است: مقدمه، فلسفه تاریخ: برخی اشارت ها، وظایف مورخ، امکان معرفت تاریخی، سطوح تحلیل تاریخی، دانش تاریخ نگارانه، فهم تاریخ نگارانه، قوانین تاریخ، روایت و تفسیر، تحقیق و نگارش تاریخی، عینیت تاریخ نگارانه، عینیت و روش، تاریخ تطبیقی، وفاق و معرفت.

- عنوان زیر هم به منزله زیرفصل های فصل دوم (نوع شناسی تبیین) جلب نظر می کند: مقدمه، تبیین در تاریخ نگاری، تبیین در میانه علم و غیر علم، تفسیر، تبیین، و تفهم، تبیین های روایی، تبیین های علمی، تبیین های تبیینی، تبیین های ژنتیکی، تبیین کنش فردی، تبیین کنش جمعی، تبیین عقلانی کنش های اجتماعی، تبیین تغییر اجتماعی، علل کوچک فراوان، فرضیات علمی عام و خاص، استدلال های علمی در میان تاریخ، عین گرایی در برابر ذهن گرایی، و ایده تاریخ جهان شمول.

- در فصل سوم (مبانی استدلالی) نیز این زیرفصل ها وجود دارد: مقدمه، تجمیع، تجمیع و دغدغه های فلسفی، هستی شناسی ابژه های تاریخ نگارانه، هستی شناسی اجتماعی و تبیین، مفاهیم و انواع، تاریخی و خطاهای منطقی مورخان، مغالطه ها و مورخان، تاریخ نگاری و اسطوره، محدودیت های تاریخ نگاری، فرض ها و استدلال های خلاف واقع، نظریه انتقادی حقیقت، متون و معنی، علل کنش های انسانی، و حقیقت و توصیف.

- فصل چهارم (نگاهی به تاریخ تاریخ نگاری) در بردارنده این زیرفصل ها است: مقدمه، هرودت، توسیدید، تاریخ عمومی (۳۰۰-۱۰۰۰)، تاریخ قومی - ملی (۵۰۰-۱۰۰۰)، تاریخ محلی و تاریخ نهادی (۳۰۰-۱۰۰۰)، بیوگرافی مسیحی، تاریخ نگاری جهان در اواخر قرون وسطی، تاریخ دودمانی، تاریخ معاصر یا تاریخ چشم دید، تاریخ نگاری شهری، مورخان یونانی، بنیان های رومی تاریخ نگاری، پیدایش تاریخ نگاری یونانی،

- فلسفه اسلامی تاریخ، تاریخ‌نگاری در عصر رنسانس، تاریخ‌نگاری در قرون نوزدهم و بیستم، و تاریخ‌گرایی سکولار.
- مطالب فصل پنجم (پیوستار قاره‌ای - تحلیلی) نیز با این زیرفصل‌ها سامان یافته است: مقدمه، فلسفه تأملی تاریخ، هگل و الهیات تاریخ، مارکس و الهیات زمینی، فلسفه قاره‌ای، فلسفه تحلیلی تاریخ، اثبات‌گرایی، اثبات‌گرایی منطقی، اتمیسم منطقی، رئالیسم، و رئالیسم تحلیلی.
- فصل ششم (فراسوی رئالیسم) این زیرفصل‌ها را دربر دارد: مقدمه، ضد‌رئالیسم، رئالیسم انتقادی، ابعاد لازم و غیرلازم معرفت، رئالیسم علی و میان‌تاریخ، شرق‌شناسی، ذهنیت و سوژه‌پسااستعماری، روش‌شناسی شرق‌شناسی، تاریخ‌گرایی کلاسیک، تاریخ‌گرایی، نقد پوپر از تاریخ‌گرایی، تأویل‌گرایی، فلسفه تاریخ در پایان جنگ سرد، ابرتاریخ، نقد فرهنگی، روایت‌گری، رویکرد پساتاریخی، و پست‌مدرنیسم.
- در فصل هفتم (فلسفه‌های وجودی تاریخ: اگزیستانسیالیسم و پدیدارشناسی) نیز این زیرفصل‌ها را می‌توان مطالعه کرد: مقدمه، اگزیستانسیالیسم: زمان و تجربه، تلاش‌های سارتر، هایدگر و فلسفه تاریخ، پدیدارشناسی: پدیدار و توصیف و ذات، رئالیسم پدیدارشناختی، اولویت معرفت‌شناختی توصیف، اصل وفاداری، اپوخه، مسیر انفعالی - دریافتی هستی، و توجه باز.
- در فصل هشتم (نقد فرهنگ و پرابلماتیک باز‌نمایی: پراگماتیسم، نظریه انتقادی و مطالعات فرهنگی) می‌توان به مطالعه این زیرفصل‌ها پرداخت: مقدمه، پراگماتیسم: فراسوی دو‌گرایی، طبیعت‌گرایی، عینیت، شرایط حقیقت، درک پراگماتیک تاریخ، پراگماتیسم‌کردن تاریخ‌نگاری، روزتی، و پراگماتیسم متأخر، نظریه انتقادی: نقد به‌منزله ضرورت تاریخی، نظریه انتقادی و تاریخ‌نگاری انتقادی، تاریخ‌نگاری انتقادی، مطالعات فرهنگی: پیچیدگی و نگاه بین‌رشته‌ای، بنیان‌های اندیشمندی، مفاهیم و اصول، مطالعات فرهنگی و تاریخ‌نگاری.
- عنوان زیرفصل‌های فصل نهم (فلسفه‌های پراکنده: دریدا، دلوز، و ژیاک) چنین است: مقدمه، ردپای ژاک دریدا، واسازی و امکان، واسازی به‌مثابه روش، ژیل دلوز: پراکندگی و پیوستگی، شدن و بودن، اسلاوی ژیاک: مدرنیته و ابتذال، فروید لاکان، اخلاق میل، از میل به ایدئولوژی، ژوئیسانس، سیاست، و خرد، سوژه، توهم، و دیگری، این دو ژیاک، هگل، ژیاک، و گیرنده درحال ناپدیدشدن.

- سرانجام در فصل دهم (چپ نو: آگامبن و بدیو) این زیرفصل‌ها قرار دارد: مقدمه، جورجو آگامبن: انسداد اخلاقی و قدرت، هوموساگر و حیات برهنه، اخلاق مدرنیته، کودکی، تاریخ، زبان، و مرگ، کودکی و تاریخ، منجی‌گرایی، روش‌شناسی آگامبن، آلن بدیو: به‌سوی کثرت، چرا هستی‌شناسی ریاضی؟، ریاضیات به‌منزله هستی‌شناسی، شرایط، سوژه، نظریه مجموعه‌ها، رخداد، توپوگرافی رخداد و حقیقت، بازتعریف زمان و رخداد.

- همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، فصل یازدهم نیز به جمع‌بندی مطالب اختصاص یافته است.

افزون بر ملاحظات ویرایشی مانند اطلاق فصل یازدهم به سه صفحه جمع‌بندی مطالب، به‌نظر می‌رسد برخی فصل‌ها مانند فصل چهارم (نگاهی به تاریخ تاریخ‌نگاری) به‌صورت منطقی باید مقدم بر دیگر فصل‌ها به‌ویژه مقدم بر فصل دوم و سوم آورده شود. درباره زیرفصل‌ها نیز این نکات شایسته ذکر است:

- **فقدان نظم روشن و قابل فهم در چینش زیرفصل‌ها:** قبلاً هم اشاره شد که در عناوین زیرفصل‌ها هم به‌روشنی درهم‌کردی واگرایانه از موضوع، نظریه‌پرداز، مکتب فکری، و حتی نام کتاب دیده می‌شود. برای مثال، در فصل چهارم عناوینی مانند هرودوت، توسیدید، تاریخ عمومی، بیوگرافی مسیحی، مورخان یونانی، و تاریخ‌نگاری در قرن نوزدهم و بیستم باوجود ناهم‌ترازی بسیار با یک‌دیگر هم‌نشین‌اند. در همین فصل پس از زیرفصل‌هایی مانند هرودت، مورخان یونانی، و بنیان‌های رومی تاریخ‌نگاری یک عنوان به پیدایش تاریخ‌نگاری یونانی اختصاص یافته است که منطقی‌تر همه این‌ها مقدم است. در فصل ششم (فراسوی رئالیسم) آخرین زیرفصل به پست‌مدرنیسم اختصاص یافته است، درحالی‌که قبل از آن عناوین مختلفی مانند شرق‌شناسی، تاریخ‌گرایی، نقد فرهنگی، و روایت‌گرایی آمده است، این‌که پست‌مدرنیسم هم‌تراز نقد فرهنگی و پس از آن آورده شود، به‌آسانی توجیه‌پذیر نیست. زیرفصل‌های فصل نهم (فلسفه‌های پراکنده: دریدا، دولز، و ژیزک) هم‌گویی پراکندگی را از این واژه، که در عنوان فصل به‌کار رفته است، اخذ و با خود هم‌راه کرده‌اند. زیرفصل‌های این فصل بین نظریه‌پرداز و مفاهیم مدام در نوسان‌اند. نمونه‌های بیش‌تری برای آشفتگی و واگرایایی زیرفصل‌ها می‌توان ذکر کرد.

- وجود عناوین گنگ و نارسا: تعابیری مانند «تجمیع» در فصل سوم، «اصل وفاداری» و «توجه باز» در فصل هفتم، «شرایط حقیقت» در فصل هشتم، و «شرایط» و «سوژه» در فصل دهم نمونه‌هایی از این عناوین گنگ محسوب می‌شوند.
- تطبیق یا تناسب‌نداشتن عناوین زیرفصل‌ها با عنوان فصل: برای مثال در فصل سوم، که مبانی استدلالی نام دارد، در زیرفصل‌های آن عناوینی مانند مفاهیم و انواع یا متون و معنی یا علل کنش‌های انسانی به چشم می‌خورد یا یکی از زیرفصل‌های فصل ششم (فراسوی رئالیسم) تاریخ‌گرایی کلاسیک است. هم‌چنین در فصل هفتم (فلسفه‌های وجودی تاریخ: اگزیستانسیالیسم و پدیدارشناسی) عملاً جز آن‌چه از یاسپرس و سپس هایدگر و کم‌تر از آن دو از سارتر ذکر شده است، بقیه مطالب ربطی روشن به فلسفه وجودی تاریخ ندارند.

۷. تأملاتی درباره محتوای کتاب

مؤلف محترم در صفحه ۵۷۴ نقدهایی را متوجه کتاب خود کرده است، این موضع فروتنانه را باید ستود، اما این اقدام پیش‌دستانه مانع آن نیست که دیگر تأملاتی را که درباره محتوای کتاب به چشم می‌آید، مدنظر قرار نداد. مهم‌ترین این تأملات چنین است:

- مشخص نبودن جایگاه این کتاب در بین آثار تألیف‌یافته در این زمینه: اشاره مؤلف تنها به سه کتاب ترجمه شده و یک کتاب تألیف و ترجمه‌ای درباره فلسفه تاریخ (محمدپور ۱۳۹۶: ۵) به‌هیچ‌روی برای نشان‌دادن پیشینه این قبیل مطالعات در کشور ما بسنده نیست. شاید انتظار این‌که نویسنده محترم همه کتاب‌ها، رساله‌ها، و مقاله‌های نوشته‌شده در این زمینه را به‌دقت بررسی، نقد، و جایگاه کتاب خود را نسبت به آن‌ها مشخص کند، انتظاری خیال‌پردازانه باشد، اما دور از ذهن نیست که مرور دقیق‌تر مهم‌ترین آثار منتشرشده در این حوزه اعم از تألیف یا ترجمه یا دست‌کم بررسی تحلیلی این سه کتاب، که نام برده شده است، به مؤلف محترم برای چپ‌نشین مناسب‌تر مطالب کتاب کمک می‌کرده است.
- کاستی آشکار توجه به میراث شرقی و به‌ویژه میراث اسلامی درباره فلسفه تاریخ: نویسنده محترم که گویی از اساس هیچ کاری به میراث شرقی درباره فلسفه تاریخ ندارد، سه صفحه از کتاب را (از صفحه ۱۹۶ تا ۱۹۸) با عنوان زیرفصل «فلسفه اسلامی تاریخ» به بررسی نگاه اسلامی در این زمینه اختصاص داده است. صرف‌نظر

از ابهام موجود در این زیرفصل در مقایسه با عنوان احتمالی «فلسفه تاریخ اسلامی»، نیمی از آن به گزارشی بسیار کوتاه و ناقص از قرآن و روایات اختصاص یافته است و نیم دیگر آن به ابن خلدون. این بخش با ارجاع به پنج منبع انگلیسی که شاید نویسندۀ دوتای آن هم به قرینه نام‌هایشان مسلمان باشند، نوشته شده است و هیچ ارجاع مستقیمی به قرآن، روایات، و آثار اندیشمندان مسلمان ندارد. سخن در این نیست که چرا مؤلف به این موضوع با این درجه اهمیت و با این همه آثار درخور بی‌اعتنایی کرده است، بلکه سخن در این است که چرا همین مقدار را هم آورده است؟ این سه صفحه حتی برای معرفی ابن خلدون هم بسیار نابسندۀ است.^{۱۶} ای کاش این سه صفحه نیز آورده نمی‌شد، زیرا وقتی در کنار این همه اشخاص و جریان‌ها و منابع مورد اشاره در این کتاب تنها به این اندک درباره نگاه اسلام بسنده می‌شود، این پیام را به ذهن مخاطب القا می‌کند که در منابع اسلامی چیزی بیش از این یافت نمی‌شود و این یک سخن سخت نارواست. سنت اسلامی در زمینه تاریخ‌نگاری تا بدان پایه فربه و غنی است که تنها یک کتاب جامع/تواریخ رشیدالدین فضل‌الله آن را «نیای فراموش‌شده تواریخ امروز کمبریج» شمرده‌اند (زرین کوب ۱۳۷۰: ۷۴). اگر مؤلف محترم آن‌جا که ادعا کرده است: «... کتاب به تاریخ اندیشیدن درباره تاریخ هم می‌پردازد» (محمدپور ۱۳۹۶: ۵۷۳) فروتنانه می‌گفت: «... کتاب به تاریخ اندیشیدن درباره تاریخ در مغرب‌زمین هم می‌پردازد» و عنوان اصلی کتاب را هم هم‌سو و هم‌سان با این واقعیت برمی‌گزید و این سه صفحه مربوط به جهان اسلام را هم کنار می‌گذاشت، هیچ خرده‌ای به کتاب در این زمینه گرفته نمی‌شد.

- در هم آمیختگی و ناهم‌ترازی اصطلاحات مربوط به جریان‌های فکری: یکی از نکاتی که شاید در همان نگاه نخست نظر خواننده را به خود جلب می‌کند، مرز نهادن بین اصطلاحاتی مانند مکتب فکری، جریان فکری، گرایش فکری، رویکرد فکری، و دیگر اصطلاحاتی است که راوی یک شیوه متمایز اندیشیدن است. این اصطلاحات هم‌تراز نیستند و هر فکر متمایزی الزاماً یک جریان فکری به‌شمار نمی‌رود، همان‌طور که یک فکر متمایز الزاماً به مفهوم یک نظریه متمایز نیست و این‌ها نیز به معنای یک مکتب متمایز نیستند. به درستی روشن نیست که نویسندۀ محترم در پی بررسی مکتب‌های فکری است یا گرایش‌های فکری یا هر فکر متمایزی که در زمینه فلسفه تاریخ یا تاریخ به روایت فلسفه وجود دارد؟ اگر هدف کتاب همه این‌ها در

کنار هم است، خرده‌ای نمی‌توان گرفت، اما می‌توان انتظار داشت که در یک تقسیم‌بندی گونه‌شناختی مرز هریک از این‌ها از یک‌دیگر جدا شود و از پرداختن درهم‌آمیخته و آشفته به آن‌ها پرهیز شود. البته تشخیص درست این‌که جایگاه هریک از اندیشمندان در یک گروه‌بندی مفروض دقیقاً کجاست موضوعی جدا و به این سه دلیل دشوار است: این گروه‌بندی «ممکن است سبب شود که ما متفکران را به‌صورتی یک‌بُعدی مورد‌ارزیابی قرار دهیم» (هیوز ۱۳۸۹: ۱۹) و نیز «امکان دارد ما را به نادیده‌گرفتن ایده‌هایی که وی برخلاف این مکتب ابراز داشته است، رهنمون شود» (همان). افزون‌بر این دو «این امر هم‌چنین بحث‌کردن درباره‌ی نویسندگانی که به بیش‌تر از یک نظریه می‌پردازند، دیدگاه‌هایشان را به مرور زمان تغییر می‌دهند یا از نظریه‌ها به‌طرزی روش‌مند استفاده نمی‌کنند، مشکل می‌سازد» (همان).

- **ابهام در چیستی تعریف جدید تاریخ:** مؤلف محترم در جمع‌بندی پایانی کتاب اظهار داشته است:

درنهایت، کتاب تعریف نسبتاً جدیدتر و بین‌رشته‌ای‌تر از تاریخ ارائه می‌دهد. از این منظر، تاریخ به‌مثابه‌ی ثبت و ضبط گذشته یا حال تنها محدود به وقایع و رخداد‌های مشاهده‌پذیر نیست، بلکه می‌تواند چون بایگانی اندیشه‌ها نیز خوانده شود (محمدپور ۱۳۹۶: ۵۷۴).

از نظر نویسنده، بررسی دو کتاب *بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی*، نوشته‌ی هوسرل، و *بقایای آشویتس*، نوشته‌ی آگامبن، دو نمونه‌ی ایدئال‌اند که بر همین مبنا بررسی شده‌اند، زیرا این دو کتاب بر تاریخ اندیشه‌ی بشر در پیوند با جریان‌های سیاسی و اجتماعی وسیع‌تر متمرکز شده‌اند (همان). صرف‌نظر از ابهام در کلمه‌ی بین‌رشته‌ای‌تر و تردید در طیف‌پذیربودن این اصطلاح، نه تاریخ به‌مثابه‌ی بایگانی اندیشه‌ها تعریفی روشن و حتی تازه به‌شمار می‌رود و نه این جمع‌بندی ریشه در مطالبی دارد که صفحات پایانی فصل دهم را به‌خود اختصاص داده است. ادعای ارائه‌ی تعریف جدید از تاریخ به‌ویژه از منظر فلسفه نیازمند ارائه‌ی شواهد بیش‌تر و تبیین دقیق‌تر است.

۸. تأملاتی درباره‌ی جنبه‌ی فنی و ویرایشی کتاب

افزون‌بر تأملاتی که درباره‌ی محتوای کتاب ارائه شد، نکاتی نیز درباره‌ی ابعاد فنی و ویرایشی کتاب وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در این محورها برشمرد:

- معرفی نکردن یا ذکر سال وفات نظریه پردازان مذکور در کتاب و پی آمد آن: معرفی بسیار کوتاه شخصیت‌هایی که از آن‌ها نام برده شده است، می‌توانست بر ارزش کتاب بیفزاید. بی‌توجهی مؤلف به این موضوع و حتی ذکر نکردن سال وفات صاحب‌نظران گاه سبب اشتباهاتی شگفت شده است. در شرایطی که مؤلف در فصل چهارم یک زیرفصل را ویژه تاریخ‌نگاری قرن نوزدهم و بیستم ساخته و رانکه را چهره کلیدی دوره رنسانس (یعنی پایان قرن هجدهم) به‌شمار آورده است. حتی اگر مسامحه مؤلف را برای امتدادیافتن عصر رنسانس تا پایان قرن هجدهم بپذیریم، رانکه (با نام کامل لئوپولد فون رانکه) در سال ۱۸۸۶ م، یعنی تقریباً در اواخر قرن نوزدهم، از دنیا رفته است و یادکرد او به‌منزله چهره کلیدی دوره رنسانس توجیه‌پذیر نیست.
- نیاز کتاب به یک اصطلاح‌نامه تخصصی: با توجه به اتکای حجم اصلی مطالب کتاب بر منابع انگلیسی و بهره‌گیری بسیار زیاد از اصطلاح‌های تخصصی جا داشت یک اصطلاح‌نامه در پایان کتاب تنظیم شود. معادل انگلیسی برخی از این اصطلاحات در پاورقی‌ها آمده است، اما برای تعداد بیش‌تری از آن‌ها چنین نشده است.
- ضرورت متمایز کردن عناوین فرعی و فرعی‌تر: قبلاً هم در بخش مربوط به آشفتگی فصل‌ها و زیرفصل‌ها گفته شد که برخی فصل‌ها عناوین فرعی (زیرفصل‌ها) هم‌تراز نیستند و برخی از آن‌ها فرع بر دیگری است. سزاوار است یا از طریق شماره‌گذاری یا تفاوت اندازه و نوع حروف این عناوین از یک‌دیگر جدا شوند.

۹. نتیجه‌گیری

آنچه گذشت شاید در بررسی وجه شکلی کتاب نگاهی فراگیر و همه‌جانبه‌نگر به‌شمار آید، اما باید پذیرفت که در بررسی وجه محتوایی کتاب تنها به کلیات اثر و ساختار آن محدود مانده است، هم‌چون کسی که بر آستان یک بنا بایستد و در ارزیابی آن سخن براند. این را نباید خرده گرفت، زیرا سنجش محتوایی کتاب به‌معنای بررسی انتقادی مضامین و دلالت‌های یکایک گزاره‌های آن دفتری بسیار بزرگ می‌طلبد و این نوشته تنها یک مقاله در چهارچوب ضوابط و معیارهای متعارف نشریات علمی است.

کتاب تاریخ به روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو با وجود تأملاتی که درباره آن بیان شد، بدون تردید برای دانشجویان رشته تاریخ علاقه‌مند به مباحث نظری و فلسفی تاریخ کتابی بسیار سودمند و آگاهی‌بخش است و می‌تواند تا سال‌ها به‌منزله مرجع معتبر استفاده شود. این‌که دانشجویان و دانش‌پژوهان فلسفه تا چه اندازه از این کتاب بهره خواهند برد، باید از زبان خود آن‌ها شنید، اما از زبان یک شاگرد کوچک تاریخ بااطمینان می‌توان گفت که این کتاب برای دانشجویان تاریخ دائرةالمعارف‌گونه‌ای است دربردارنده اطلاعاتی ارزشمند درباره مهم‌ترین شخصیت‌ها، صاحب‌نظران، کتاب‌ها، منابع، و جریان‌های فکری که به‌گونه‌ای سخنی در زمینه فهم فلسفی تاریخ دارند. بر این اساس، بااطمینان می‌توان گفت که مرزهای آگاهی دانشجویان تاریخ درباره پیوندهای تاریخ و فلسفه، با مطالعه این کتاب چندین گام به جلو خواهد رفت. از ارزش‌مندترین بخش‌های کتاب، ۴۱ صفحه منابع انگلیسی (از صفحه ۵۷۶ تا ۶۱۶) است. باید صادقانه اعتراف کرد که حتی نام برخی از این کتاب‌ها یا نویسندگان برای گوش‌های ما دانشجویان تاریخ تازگی دارد. همین نکته درباره برخی از بخش‌های قابل توجه و مطالب و مضامین کتاب نیز صادق است.

گنگ‌بودن نسبی کتاب برای دانشجوی تاریخ را نیز، که در جای خود شایسته نقد است، نباید خیلی منفی دانست. این نکته چه‌بسا درباره همین مقاله نیز صادق باشد و فاصله نسبی قلم آن با فضای نوشته‌های تاریخی مانع پیوند آسان و زود دانشجویان تاریخ با آن شود، اما نباید از یاد برد که این دوران گذر را ناگزیر باید سپری کرد؛ بدین معنی که تحول در دانش تاریخ همانند همه شاخه‌های علوم انسانی در گرو شناخت درست دانش غربی در این زمینه است، بدون شناخت درست آن‌چه در غرب عرضه شده است و بدون خواندن و فهم آن سخن از نقد اندیشه‌های غربی به‌میان‌آوردن از یک‌سو و پی‌ریختن یک دانش بومی از سوی دیگر امکان‌پذیر و حتی باورپذیر نیست و بی‌تردید فهم زبان غربی در این زمینه هنوز برای ما نامأنوس است. درست است که دانشجوی تاریخ بدون آگاهی کافی از تاریخ فلسفه و جریان‌های فلسفی در غرب نمی‌تواند محتوای این کتاب را به‌خوبی دریابد، اما بدون تردید در پرتو مطالب این کتاب، افق‌هایی کاملاً نو و پرسش‌هایی نو درباره نگاه نظری به تاریخ در ذهن او گشوده خواهد شد. موفقیت نسبی کتاب هم در همین نکته است که به شیوه جدیدی برای نگرستن به تاریخ و نگاشتن تاریخ فرامی‌خواند، هرچند این شیوه جدید نه مبانی معرفت‌شناختی، نه مبانی روش‌شناختی روشن، نه رویکرد مشخص، و نه مرحله‌بندی معینی دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. یکی از بهترین گزارش‌ها در این باره را در کتاب *Philosophy of History; A Guide for Students* نوشته لمون (Lemon) می‌توان یافت؛ به‌ویژه در ده فصل بخش نخست کتاب با عنوان *Speculative Philosophy of History*. این کتاب با این مشخصات کتاب‌شناختی به زبان فارسی نیز ترجمه شده است: لمون، مایکل (۱۳۹۴)، *فلسفه تاریخ؛ راهنمای دانشجویان*. بخش سوم جلد ششم *تاریخ فلسفه* کاپلستون با عنوان *ظهور فلسفه تاریخ* (کاپلستون ۱۳۸۷: ۱۶۹-۱۹۸ نیز برای برآمدن فلسفه تاریخ در دوره نوین ماقبل کانتی (همان: ۲۵) در بردارنده آگاهی‌های ارزش‌مندی است. هم‌چنین فصل پنجم کتاب *Foundations of Modern Historical Thought; From Machiavelli To Vico* نوشته پُل آویز (Paul Avis)، نیز با عنوان *History and Philosophy on The Eve of the Enlightenment* با وجود تکیه بر تاریخ‌نگری اندیشمندان مطرح عصر روشن‌گری و فاصله نسبی آن با مباحث رایج فلسفه تاریخ، برای نشان‌دادن زمینه‌های پیدایش فلسفه تاریخ سودمند است. مقاله «درباره فلسفه تاریخ»، نوشته کلباسی اشتری، نیز برای نشان‌دادن چگونگی شکل‌گیری دیدگاه جدید درباره تاریخ و تمایزهای آن با ادوار پیشین به‌کار می‌آید.
۲. دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام رشته فلسفه تاریخ برای مقطع دکتری را به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ارائه کرده است و در فروردین ۱۳۹۹ در آخرین مراحل بررسی و تصمیم‌گیری نهایی بوده است.
۳. در این سخن‌رانی کوشیده شده است مهم‌ترین تأملات مربوط به بومی‌نبودن فلسفه علم تاریخ در کشورمان گزارش شود (الویری ۱۳۹۲: ۵۷-۶۰).
۴. ظاهراً هنوز گزارش سنجیده و روش‌مندی از کارهای قابل توجه انجام‌شده در این باره در دست نیست، اما اغلب گزارش‌هایی که درباره وضعیت تاریخ‌نگاری در جهان اسلام معاصر تدوین شده است، خالی از مباحث نظری است (برای نمونه، ناجی و دیگران ۱۳۹۳: ۶۷-۷۷). این خود نشانه‌ای از اهتمام کم‌تر جهان اسلام به این موضوع مهم است.
۵. داوری در این زمینه نیز نیازمند بررسی‌ها و مطالعاتی گسترده‌تر است. این مقاله کوشیده است نشانه‌هایی از ضرورت درانداختن طرحی نو را گزارش کند: الویری، «پیشنهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ»، الویری، «مفهوم اسلامی‌شدن دانش تاریخ؛ الگویی برآمده از تاریخ اسلام»، و پاسخ نقدهای آن در الویری، «آینه هدیه‌ها؛ پاسخ‌واره‌ای به نقدهای مفهوم اسلامی‌شدن دانش تاریخ».
۶. خاستگاه این مطالعات الزاماً در کشورهای عربی نبوده است، کتاب *المسلمون و کتابه‌التاریخ؛ دراسة فی التأسیل الاسلامی لعلم التاریخ* نوشته دکتر عبدالعلیم عبدالرحمن خضر در سال ۱۹۹۳م/۱۴۱۴ق، که از نمونه‌های خوب در این زمینه به‌شمار می‌رود، از سوی المعهد العالمی للفکر الاسلامی در آمریکا منتشر شده است.

۷. آثار شهید مطهری در زمینه فلسفه تاریخ چنین است: جامعه و تاریخ، فلسفه تاریخ (ج ۲)؛ فلسفه تاریخ؛ مباحثی درباره اشتراک اولیه، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم، ج ۳؛ فلسفه تاریخ؛ فلسفه تاریخ در قرآن، و قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ج ۴.
۸. روشن است که این سخن به مفهوم نادیده‌انگاشتن کوشش‌هایی نیست که در این زمینه صورت گرفته است؛ مانند کتاب فلسفه نظری تاریخ، مفاهیم و نظریه‌ها نوشته آقای دکتر مجید کافی در زمینه فلسفه نظری تاریخ و کتاب فلسفه انتقادی تاریخ نوشته آقای دکتر سیدابوالفضل رضوی. سخن در دایره اثرگذاری و ایجاد یک جریان است.
۹. ظاهراً تنها نشریه تخصصی در این زمینه دوفصل‌نامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری در دانشگاه الزهراست، اما اغلب نشریات پژوهشی تاریخ به‌ویژه فصل‌نامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام در شماره‌های مختلف خود مقالاتی در این زمینه منتشر می‌کنند. سامانه یک دوفصل‌نامه جدید با عنوان «تأملات نظری تاریخ و تمدن» در صفحه نخست پایگاه اطلاع‌رسانی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام به چشم می‌خورد که ظاهراً فعلاً در مرحله گردآوری مقالات است و تاکنون هیچ شماره‌ای از آن منتشر نشده است.
۱۰. بخش‌های اصلی بحثی که با عنوان «شیفتگی و آشفته‌گی در فلسفه تاریخ» در ۲۷ مهر و ۱۱ آبان ۱۳۸۸ در گروه فلسفه مضاف انجمن عالی حکمت ارائه شده بود، در این مقاله بازتاب یافته است: (الویری ۱۳۹۱: ۵۹، ۶۶).
۱۱. کانون علمی - فرهنگی رونان (مریوان) با همکاری ارشاد اسلامی مریوان و دفتر استانی انجمن جامعه‌شناسی ایران در یازده خرداد ۱۳۹۱ در دانشگاه پیام‌نور جلسه «نقد و بررسی کتب سه‌گانه روش‌شناختی اثر دکتر احمد محمدپور» را برگزار کرد، بنگرید به:
<<https://www.b2n.ir/592406>>.
۱۲. برای آگاهی بیش‌تر از فعالیت‌های علمی و آثار ایشان، بنگرید به:
<<https://www.scholar.google.com/citations?user=8pklQnIAAAAJ&hl=en>>.
<<https://www.independent.academia.edu/Mohammadpur>>.
<https://www.researchgate.net/profile/Ahmad_Mohammadpour>.
۱۳. برای معانی «از» بنگرید به ابن‌هشام ۱۹۷۹؛ ۴۱۹-۴۳۱؛ و برای معانی «تا» در زبان فارسی، بنگرید به بهروز ۱۳۵۵: ۲۷۱-۲۷۲.
۱۴. برای آگاهی از زندگی و افکار او، بنگرید به:
<<https://www.history.com/topics/ancient-history/herodotus>>.
<<https://www.britannica.com/biography/Herodotus-Greek-historian>>.
۱۵. برای آشنایی با او نیز این دو منبع بسیار سودمند است: کلی ۱۳۹۸، با عنوان *آلن بدیو: قدم اول*؛ نیز دورو ۱۳۹۵، با عنوان *آلن بدیو؛ برای آخرین بار*.

از روایت فلسفی تاریخ تا روایت فلسفه تاریخ؛ ... (محسن الویری) ۸۷

۱۶. برای آگاهی از مهم‌ترین کارهای انجام‌شده درباره ابن خلدون در زبان‌های انگلیسی و فرانسه، بنگرید به الطالی ۱۳۹۱: ۱۱۹-۱۲۱.

کتاب‌نامه

ابن هشام الانصاری، جمال‌الدین (۱۹۷۹)، *معنی اللیب عن کتب الاعاریب*، حقه و علق علیه: مازن المبارک، محمدعلی حمدالله، راجعه: سعید الافغانی، بیروت: ط ۵ (افست: تبریز، مکتبه بنی‌هاشمی، بی‌تا).

الویری، محسن (۱۳۹۱)، «پیش‌نهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۳، ش ۶.

الویری، محسن (۱۳۹۲)، «فلسفه علم تاریخ: مسائل، چالش‌های موجود و ظرفیت‌های ما»، حکمت اسلامی (نخبرنامه مجمع عالی حکمت اسلامی)، س ۶، ش ۲۷.

الویری، محسن (۱۳۹۶الف)، «آینه هدیه‌ها؛ پاسخ‌واره‌ای به نقدهای مفهوم اسلامی شدن دانش تاریخ»، فصل‌نامه تخصصی علوم انسانی-اسلامی صدر، ش ۲۱.

الویری، محسن (۱۳۹۶ب)، «مفهوم اسلامی شدن دانش تاریخ، الگویی برآمده از تاریخ اسلام»، فصل‌نامه تخصصی علوم انسانی-اسلامی صدر، ش ۲۱.

برنز، رابرت (۱۳۸۱)، «فلسفه و تاریخ»، ترجمه عزت‌الله فولادوند، بخارا، ش ۲۴.

بهروز، اکبر (۱۳۵۵)، «انواع و معانی مفردات زبان فارسی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۱۱۸.

خضر، عبدالعلیم عبدالرحمن (۱۴۱۴)، *المسلمون و کتابه التاريخ؛ دراسة فی التأصیل الاسلامی لعلم التاريخ*، فیرجینیا: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ط ۱.

دورو، فیلیپه (۱۳۹۵)، «آلن بدیو؛ برای آخرین بار»، ترجمه علی برزگر، وبگاه ترجمان:

<<http://www.tarjomaan.com/neveshtar/8372>>.

رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۹۱)، *فلسفه انتقادی تاریخ*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۰)، *تاریخ در ترازو*، تهران: امیرکبیر.

الطالی، محمد (۱۳۹۱)، *ابن خلدون و تاریخ*، ترجمه محسن حسنی و سپیده ره‌انجام، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

کاپلستون، فردریک (۱۳۸۷)، *تاریخ فلسفه؛ از ولف تا کانت*، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگ‌مهر، ج ۶، تهران: علمی و فرهنگی، سروش.

کافی، مجید (۱۳۹۳)، *فلسفه نظری تاریخ؛ مفاهیم و نظریه‌ها*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سمت.

- کلباسی اشتری، حسین (۱۳۸۵)، «دربارۀ فلسفۀ تاریخ»، در: *فلسفه‌های مضاف*، به‌کوشش عبدالحسین خسروپناه، ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشۀ اسلامی.
- کلی، مایکل جی. (۱۳۹۸)، *آلن بدیو: قدم اول*، ترجمۀ ابراهیم اسکافی، تهران: شیرازه.
- لمون، مایکل (۱۳۹۴)، *فلسفۀ تاریخ؛ راهنمای دانشجویان*، ترجمۀ محمدحسین وقار، تهران: اطلاعات.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *فراروشن: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری*، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۶)، *تاریخ به‌روایت فلسفه؛ از هرودت تا آلن بدیو*، قم: لوگوس.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۸ الف)، *روش در روش: درباره‌ی ساخت معرفتی در علوم انسانی*، قم: لوگوس.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۸ ب)، *صدرروشن: زمینه‌های فلسفی رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی*، قم: لوگوس.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، *فلسفۀ تاریخ*، ج ۲، تهران، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، *فلسفۀ تاریخ؛ مباحثی درباره‌ی اشتراک اولیه، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری، و سوسیالیسم*، ج ۳، تهران، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، *فلسفۀ تاریخ؛ فلسفۀ تاریخ در قرآن*، ج ۴، تهران، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفۀ تاریخ به ضمیمۀ شهید*، تهران: حکمت.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا)، *جامعه و تاریخ؛ مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی*، ۵، قم: صدرا.
- مهتا، ود (۱۳۶۹)، *فیلسوفان و مورخان؛ دیار با فیلسوفان انگلیس*، ترجمۀ عزت‌الله فولادوند، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ناجی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۳)، *تاریخ و تاریخ‌نگاری*، تهران: نشر کتاب مرجع.
- «نقد و بررسی کتب سه‌گانه روش‌شناختی اثر دکتر احمد محمدپور» (۱۳۹۷)، دست‌رسی در وبگاه: <<https://www.b2n.ir/592406>>.
- هیوز مارنی، وارینگتن (۱۳۸۹)، *پنجاه متفکر کلیدی در زمینۀ تاریخ*، ترجمۀ محمدرضا بدیعی، تهران: امیرکبیر.

Avis, Paul (1986), *Foundations of Modern Historical Thought; From Machiavelli To Vico*, London; Sydney, Dover, New Hampshire: Croom Helm.

<<https://www.independent.academia.edu/Mohammadpur>>.

<<https://www.scholar.google.com/citations?user=8pklQnIAAAAJ&hl=en>>.

<<https://www.britannica.com/biography/Herodotus-Greek-historian>>.

<<https://www.history.com/topics/ancient-history/herodotus>>.

<https://www.researchgate.net/profile/Ahmad_Mohammadpour>.

Lemon, M. C. (2003), *Phiosophy Of History, A Guide for Students*, London: Routledge.